

## گزارش

آقای گل جهان همچنان استوار بر عهد خود

## علی دایی:من تلویزیون را دوست ندارم!

منتظر اولین پرواز برای خروج

ایران و رفتن به لیگ انگلستان



**آرمان ملی – مطهره شفیعی:** نه ورزش به صداوسیما! رابطه اهالی ورزش کشور مدت‌هاست با اهالی جام‌جم تیره و تار شده است. صداوسیما حتی حاضر به پذیرش اهالی خوش هم نیست که با ورزش به‌ویژه فوتبال میانه خوبی دارند مانند آنچه با عادل فردوسی‌پور کردند و منجر به حذف او از گزاشگری مسابقات مهم شد. البته فوتبالبست‌ها هم تمایل چندانی برای قرار گرفتن در جلوی دوربین صداوسیما ندارند چراکه بسیاری از تیم‌های فوتبال و فوتبالبست‌ها از عملکرد این سازمان شاکی هستند. علی دایی از جمله چهره‌هایی است که دیروز برای بازی تیم منتخب ۹۸ و سرخابی‌ها به ورزشگاه آزادی رفته است. او لحظه‌ای وارد شد که علی پروین قصد داشت با یکی از دوربین‌های تلویزیونی مصاحبه کند. پروین تا دایی را دید گفت: «تو بیا مصاحبه کن!» سرمربی سابق پرسپولیس هم با خنده گفت: «هن تلویزیون را دوست ندارم.» علی دایی با میلیون‌ها مخاطب در شبکه‌های اجتماعی ثابت کرده‌است که هیچ‌نیزای به صداوسیما ندارد و مناسبانه‌ای خوشبختانه تاثیر گذاری بیشتری نسبت به برنامه‌های تلویزیونی دارد.

**مرور همه‌های صداوسیما به دایی**

سال ۹۵ بود که باشگاه خبرنگاران جوان مدعی شد: «علی دایی سرمربی تیم فوتبال سایپا در پایان بازی با پرسپولیس و تساوی یک - یک در لیگ برتر فوتبال با پرسپولیس‌ها درگیری فیزیکی پیدا کرد و در این حین به خبرنگار باشگاه خبرنگاران نیز سیلی زد. این اتفاق در حالی افتاد که خبرنگار ماقصد داشت از درگیری به‌وجودآمده خبر تهیه کند و البته به‌صورت دوستانه به دایی متذکر شد که این درگیری‌های فیزیکی در دوربین‌ها ثبت می‌شود که دایی به او حمله کرد و به صورت وی سیلی زد.» پس از آن هم دایی تاکید کرد دیگر با صداوسیما مصاحبه نخواهد کرد. روابط علی دایی و صداوسیما از سال ۹۶ تیره شد. ۴ اسفند ۹۶ بود که امیرحسام شجاعی، بازیگر سینما و تلویزیون اذکار در هتل محل اقامت تیم سایپا از این شایعه ای تکث خورده است.علی دایی در واکنش به این تبلیغ اظهار داشت: «هنرمی خواهم اصلاح‌شجاعی چه کسی هست، شما که نمی‌توانید شنیده‌هایتان را بدون اینکه صحت و سقمش را بدانید بیان کنید. این چه حرف‌هایی است که اعلام می‌کنید، هر کسی می‌تواند هر حرفی بزند.دایی همچنین گفت: متأسفم که برخی چشم‌هایشان را می‌بندند و صداوسیما هم به برخی افراد به راحتی تریبون می‌دهد تا با آبروی آدم‌ها بازی کنند.» صداوسیما تمایلی به بهبود روابط با علی دایی نداشت و از هر فرصتی برای تخریب او استفاده کرد. در اردیبهشت ۹۸ هم علی دایی از تیم سایپا کنار گذاشته شد. دایی پس از اخراج که به عقیده بسیاری از ورزشی‌ها احساسی بوده است، در یک کنفرانس مطبوعاتی حملات تندى را با ادب و همیشگی‌اش علیه باشگاه سایپا و مدیریت مجموعه ابراز داشت که مثل همیشه جنجال آفرین شد. جمله دایی به مدیرعامل فعلی سایپا که به گفته خود دایی نام و فامیلی‌اش را تغییر داده است و همچنین حملاتی نظیر «من س‌بار در جمهوری اسلامی به خاطر احقاق حقم اخراج شدم» گلبدان‌زادى کنفرانس مطبوعاتی سرمربی سابق تیم ملی بود که در رسانه‌ها بازتاب زیادی داشت. بعد از تمام این هیاهوها که بیشتر یک جنگ فوتبالی بین دایی و باشگاه سایپا به نظر می‌رسید، اخبار ۳۰:۲۰ در یک گزارش چهار دقیقه‌ای به ماجرا وارد کرد و در علی دایی را در گوشه رنگ قرار داد. در این گزارش که صحبت‌های دایی را پراکنده و بدون پس و پیشی پخش می‌کرد و هدفمند طراحی شده بود، علی دایی شخصیتی نشان داده شد که دنبال پول است و برای رسیدن به پول حاضر است هر کاری بکند.

سکوت دایی شکست

همه‌های صداوسیما به علی دایی ادامه داد و او در آذر سال جاری تصمیم گرفت سکوت خود را بشکند. دایی گفت: واقعا همیشه برای اینکه خودم و خانواده‌ام همگی در سلامت کامل به سر می‌بریم، کسی هم ما را طبلی ندارد و تمام عمرم با آبرو و حیثیت زندگی کردم خدارسندهاز مرتبه شکر می‌کنم. مثلا چند وقت پیش زمانی که برای بازی به رشت رفته بودیم یک شخصی که هنرپیشه بود اذکار کرد که من او را تکت زده‌ام. ۳۰:۲۰ هم فوراً این خبر را پخش کرد. چطور ممکن است که دادگاه فقط آن فرد را محکوم و جریمه مالی کند. بدون اینکه اصلا با من صحبت شود و کسی نظر من را بخواند. یا مثلا طلی دوسالی که سایپا بپودم مدام می‌رفتند که دایی قرارداد (۱میلارد و ۲۰۰ میلیون تومانی دار ولی نمی‌گفتند که من یک پیشنهاد کاری ۷میلیاردی را رد کردم. خیلی وقت است با کسانی که بخوانند راجع به من اشتباه صحبت کنند کاری ندارم. شما می‌توانید نقد کنید ولی باید آن را درست، مودبانه در چارچوب وبدون غرض‌ورزی انجام دهید. چرا که در غیر این صورت موضع شما برایم کاملا مشخص است.

منتظر اولین پرواز

کاپیتان و سرمربی سابق تیم ملی با حضور در باشگاه اورتون می‌تواند نخستین نماینده مریان فوتبال ایران در انگلیس باشد؛ اتفاقی بزرگ برای چهره‌های فوتبال ایران زودی‌ها پارس سفر می‌پنند و تیم بزرگ هم‌لیگ لیگ برتری می‌شود. البته اگر ویروس کرونا نبود، شاید تا امروز توافق میان دایی و اورتون نهایی می‌شد و بعد از سه‌سال‌ها و به‌جای ملاقات با علیرضا گلزار، محمودضا گلزار و داریوش فرضایی، او دوباره در قامت مربی می‌دیدیم.

## چهارشنبه

۱۳۹۹.۰۱.۲۹

شماره ۹۴۸

شماره ۹۴۸

۱۷ / فوریه ۲۰۲۱

محمود زمانی قمی، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# اصلاح طلبان

# «مسائل اجتماعی»

# را به سیاسی ترجیح دهند

**از طوفان بی اخلاقی که در میهنم وزیدن گرفته نگرانم**

**جریان اصلاحات رو به ضعف نیست؛ رضایت از اصلاح طلبان ضعیف**

**جریان اصلاحات حق ندارد با سیاست خداحافظی کند**

**عطش قدرت در اصلاح طلبان سبب کژ کارکردی نسل جدید شد**

**جریان اصلاحات برخی عناصر فاقد صلاحیت را به جامعه تحم**

**نسل جدید را به سمتی هدایت کرده‌ایم که در شأن اصلاح طلبان**

**آرمان ملی – احسان انصاری: محمود زمانی قمی، استاندار**

**استان یزد در دولت دوازدهم و استاندار استان مرکزی در دولت یازدهم و نایب رئیس هیات مدیره بنیاد باران است.** «آرمان ملی» برای بررسی و تحلیل چالش‌های درونی جریان اصلاحات و چشم‌انداز پیش‌رو با ایشان گفت‌وگو کرده است. زمانی‌قمی در این گفت‌وگو با تحلیل و تشریح مهمترین چالش‌های گفتمان اصلاحات معتقد است: «قرار بود اصلاح طلبی با تاکید بر شایسته‌سالاری از سنت جاری

**در شرایط کنسونی چه نفعدهایی را به جریان اصلاحات وارد می‌داند؛ به نظر شما جریان اصلاحات در چه زمینه‌هایی با چالش مواجه است؟**

شاخص مهم جریان اصلاح طلبی در سال‌های گذشته جلب آرای مردم و جامعه بوده است. دغدغه اصلی اصلاح طلبان باید بر محور حفظ این مزیت و ارتباط با مردم می‌بود که با تاسف این مزیت رو به افول گذاشته و اکنون در نقطه‌ای قرار داریم که جریان اصلاح‌طلبی به یک نوع از انسداده‌گفت‌وگو و تعامل با جامعه رسیده است. تصریح می‌کنم باید بین اصلاح طلبی به عنوان یک جریان پرریشه‌دار و تاریخی که همیشه مطالبه جامعه ایرانی بوده و رفتار اصلاح طلبان در هر مقطعی تفاوت قائل شویم. آنچه امروز شاهد آن هستیم جریان اصلاح طلبی نیست که در ارق سیاسی ایران رو به ضعف نهاده؛ بلکه فقدان رضایت از اصلاح طلبانی است که برای تأثیر گذاری بر امور جامعه و ارتباط با مردم فاقد خط مشی کارآمد و روزآمد هستند. تاکنون همه فعالیت‌های اصلاح طلبان معطوف به حوزه سیاست و قدرت بوده و به همین دلیل بسیاری از اولویات‌های جامعه ایران در برنامه‌های آنان به حاشیه رفته است. امروز منشأ بسیاری از ناامیدی‌ها و آسیب‌ها را باید در حوزه‌های اجتماعی به‌تماشاست، که جریان‌های موثر ایران از جمله اصلاح طلبان با غفلت از کنار آن عبور می‌کنند.

**چرا باین آرمان‌های جریان اصلاح طلبی و واقعیت‌های موجود فاصله افتاده و جریان اصلاحات دچار روزمرگی شده است؟**

اصلاح طلبی به عنوان یک جریان اصیل، که بنیان‌های خود را در اعماق خواست تاریخی اهل خرد جست‌وجو می‌کند دچار روزمرگی نمی‌شود. این اطلاع طلبان و تشکل‌ها و گروه‌های اصلاح طلب و حتی چهره‌های خارج از گروه‌ها هستند که از آسیب روزمرگی رنج می‌برند. با این وجود به برخی از دلایل فاصله بین آرمان‌های این جریان با شرایط جاری‌اش اشاره می‌کنم. برخی از محورهای مورد تاکید جریان اصلاح طلبی «زردم‌محوری»، «گفت‌وگو و شفاف بودن با جامعه»، «برهیز از بیاد سالاری در حوزه اداره جامعه» و «تاکید بر اخلاق و سیاست دینی» است. در همه موارد یاد شده

اصلاح طلبان بیشتر از رویکرد جاری سیاست موجود تبعیت کردند تا ایستادگی بر مواضع متفق جریان اصلاح طلبی. به عنوان مثال با بی‌اعتنایی به خواست‌های مردم و آسیب‌های جامعه در حوزه اجتماعی موجب ضعف شدن گرایشات مردم به خود شده‌اند. چه کسی می‌تواند انکار کند که این سال‌ها مردم سخت‌ترین شرایط اقتصادی و معیشتی را پیش‌رو داشته و دارند، اما کدام خط‌مشی و تشکل قوی در کنار این همه حزب و تشکل اصلاح طلب مسیر کاهش آلام مردم را فریاد زده؟ این مسأله ریشه در توجه صرف به حوزه سیاست و غفلت از بسیاری از حوزه‌های ضروری دیگر دارد. در یک کلام اصلاح طلبان به فعالیت‌های سیاست محور علاقه زیادی دارند و تلاش‌های اجتماع‌محور در خط‌مشی تنظیمی آنها بسیار ضعیف است. قرار بود اصلاح طلبی با تاکید بر شایسته‌سالاری از سنت جاری سیاست‌های رقیب (باند محوری) تبعیت نکند، اما ستادهای انتخاباتی این جریان چه در ریاست جمهوری و چه مجلس تبدیل به گروه‌هایی شده‌اند که بعضی از عناصر فاقد صلاحیت‌های کاری و تخصصی را به سیستم اداره جامعه تحمیل کرده‌اند که این مسأله جریان اصلاح طلبی را به فاصله گرفتن از شعار اصلی‌اش یعنی شایسته‌سالاری سوق داده و

آرام آرام مردم هم به این نتیجه رسیده‌اند که فرقی نمی‌کند کدام جریان سر کار باشد. هر کدام بیایند به دنبال باند خودشان هستند و در نتیجه مزیت بزرگ این جریان یعنی همراهی

# آرمان ملی



کرده و خاطر نشان می‌کند: «برخی تفاوت‌ها امری طبیعی است، اما وقتی تفاوت غیر عادی و آسیب‌زای می‌شود باید نگران شد. رفتار امروز نسل جدید اصلاح طلبی ایران با ارزش‌های مورد تاکید نسل اول تفاوت فاحشی دارد. مثال‌هایی از عطش ورود به قدرت و سامان دادن اوضاع شخصی در رفتار نسل جدید خبر از اشن یعنی شایسته‌سالاری سوق داده‌و آرام آرام مردم هم به این نتیجه رسیده‌اند که فرقی نمی‌کند کدام جریان سر کار باشد». ایشان به شکاف بین نسل جدید و نسل قدیم اصلاح طلبی اشاره

مردم رو به ضعف نهاد و بالاخره لازمه ورود به عصره‌ای که فاقد سنجه‌های شایستگی است دور شدن از حوزه اخلاق را موجب شد و در توجیه آن برای جامعه به روش‌های غیر اخلاقی روی آوردیم. این اندکی بود از علل فاصله‌گیری از آرمان‌ها. امیدوارم معتقدان به جریان همیشه زنده اصلاح طلبی با کنکاش دقیق به اصلاح مسیرهای نادرست بپردازند و با احیای سرمایه اجتماعی از دست رفته جازاد اداره کشور با روش‌های مورد تاکید جریان اصلاح طلبی را فراهم کنند.

**چرا بین نسل قدیم و نسل جدید جریان اصلاحات از نظر گفتمانی فاصله ایجاد شده است؟ فاصله مورد نظر چه تبعاتی برای جریان اصلاحات دارد؟**

نسل جدید جریان اصلاح طلبی از درون همین جامعه‌ای غشیده و می‌جوشد که سال‌ها تعامل با عناصر اصلاح طلب را شاهد بوده است. اجازه دهید همین‌جاین موضوع را مطرح کنم که هم اصلاح طلبان و هم اصولگرایان در انتقال مبانی مورد تاکید شان به نسل جدید ناموفق بوده‌اند. برخی تفاوت‌ها امری طبیعی است، اما وقتی تفاوت‌ها فرغادی و آسیب‌زای می‌شود باید نگران شد. رفتار امروز نسل جدید اصلاح طلبی ایران با ارزش‌های مورد تاکید نسل اول تفاوت فاحش دارد. مثال‌هایی از عطش ورود به قدرت و سامان دادن اوضاع شخصی در رفتار نسل جدید خبر از کژکار کردهای نسل قدیم در انتقال مبانی اصلاح طلبی به نسل جدید دارد و من هم در زمره همان مقصران و قاصران هستم. جریان اصلاح طلبی با فاصله گرفتن از ارزش‌های مورد تاکید مردم، با تاسف و غفلت از مواضع اساسی جامعه، می‌تواند نسل جدید خود را در شرایط نامطلوب به جامعه تحمیل کند.

نسل جدید اصلاح طلبی ایران با ارزش‌های مورد تاکید نسل اول تفاوت فاحش دارد. مثال‌هایی از عطش ورود به قدرت و سامان دادن اوضاع شخصی در رفتار نسل جدید خبر از کژکار کردهای نسل قدیم در انتقال مبانی اصلاح طلبی به نسل جدید دارد و من هم در زمره همان مقصران و قاصران هستم. جریان اصلاح طلبی هم در انتقال مبانی مورد تاکیدش به نسل جدید آنقدر ناموفق عمل کرده که افراط‌گری، ترکا اخلاق و خشونت‌کلامی از بارزترین ویژگی‌های جمعی‌اش نسل جدید آنها است. حال بعضی از تریبون‌های رسمی، شاهد این مدعا هستند.

**چرا در سال‌های اخیر جریان اصلاحات به سمتی حرکت کرده که خود را در قدرت تعریف کند و فاصله اولیه خود را نسبت به قدرت کاهش داده است؟ این مواضع بیشتر برای آرمان‌ها و مانی اولیه اصلاح طلبی داشته است؟** لازمه نزدیک شدن به قدرت، تمرکز صرف بر فعالیت‌های سیاست‌محورانه و غفلت از حوزه‌های دیگر جامعه است. هر اندازه این رویکرد به نفع سیاست‌محوری تقویت شود دور شدن از اولویات‌های مهم جامعه را به دنبال خواهد داشت و تبعات آن فاصله گرفتن از ارزش‌های مورد تاکید جریان اصلاح طلبی و قرار گرفتن در مسیر انسداده‌گفت‌وگو و تعامل با جامعه است و این عمل به نام اصلاح طلبی تاکید بر بخش‌هایی از رفتار رقیب است. نظیر گماردن عناصری تحت فشارهای نادرست سیاسی که انتهای آن ناراضیاتی وزدگی اصل مردم از جریان اصلاحات باشد است. بالاخره رفتار ما در گذشته آموزشی بوده برای شکل‌گیری شخصیت نسل جدید. ما باید خودمان را ملامت کنیم که نسل جدید پرشور را به جای رهنمون ساختن در مسیر توسعه اخلاق و ترقی ایران به راه‌هایی هدایت کرده‌ایم که در شأن جریان اصلاح طلبی نیست.

**به مواضع بیرونی بیشتر می‌تواند در ساحت اجتماعی تأثیر گذار باشد یا ساحت سیاسی؟ آیا جریان اصلاحات به دلیل عدم امکان تأثیر گذاری در ساحت سیاسی بهتر**

# سیاسی ۱۱

## یادداشت

### چرا محسن هاشمی

## باید کاندیدای ۱۴۰۰ شود؟

**ادامه از صفحه یک / اثبات ناکارآمدی روحانیت در اداره کشور استفاده می‌کند، گفتنی‌ها بسیار است که در حوصله این مقال نمی‌گنجد. ولی تنها به ذکر یک مورد بسنده می‌شود که این جریان خزنده پس از حوادث سال ۸۸، امید بسیاری برای رویگردانی مردم از صندوق‌های رای در سال‌های ۹۴، ۹۶ و بسته بود که آیتا... هاشمی با همراهی رهبری آنان را ناکام گذاشت. این جریان پیچیده امروز هم دوباره چشم طمع به رویگردانی مردم از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ دوخته تا پس از کم‌روفتی انتخابات سال ۱۳۹۸، کم‌روفتق‌ترین انتخابات ریاست‌جمهوری تاریخ نظام را هم رقم بزند که البته نام «هاشمی» باز هم یکی از مهمترین موانع آنان است و این‌بار «محسن هاشمی» باید جای خالی پدر را در مبارزه با متحجران پر کند. ۲- بن‌بست‌شکنی رابطه با عربستان: آیتا... هاشمی به اذعان بسیاری از چهره‌های صاحب‌نام جهانی؛ معمار سیاست خارجی ایران بود و با بن‌بست‌شکنی کم‌نظیر خود درباره ایجاد رابطه برادرانه و دوستانه با عربستان سعودی، موفق شد ممتازترین روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای اسلامی پایه‌گذاری کند که نه‌تنها رژیم صهیونیستی را با انزوای بی‌سابقه‌ای روبه‌رو کرد، بلکه تحریم‌های اذماتو در دولت لیل‌کینتون را هم در سایه همین سیاست خارجی عملگر ایانه، بی‌اثر کرد. امروز که برجام با تدابیر رهبر معظم انقلاب و دولت روحانی – به نغمه میل تمام بدخواهان داخلی و خارجی از جمله ترامپ- پابرجا مانده، بن‌بست‌شکنی جدید درباره رابطه با عربستان می‌تواند فصل جدیدی را در باره آینده ایران به برجام رقم بزند. مردم ایران و منطقه هم به جهت خاطرات بسیار روشن و خوبی که از روابط آیتا...هاشمی با کشورهای اسلامی بالاخص عربستان دارند، یقینا از حضور «محسن هاشمی» با اعلام برنامه‌های خود برای اصلاح رابطه با عربستان سعودی استقبال خواهند کرد و**

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بر خلاف خواست افراطیون به رفراندومی برای «آشتی منطقه‌ای» تبدیل خواهد شد. ۳- تداوم دولت اعتدال: واقعیت آن است که عدم تداوم دولت سازندگی در دولت‌های اصلاحات و احمدی نژاد، اهداف بلند آیتا... هاشمی را برای سرپلندی نظام اسلامی و ملت ایران، ناکام گذاشت و «روای ایران پیشرفته» ایستاد در دولت اصلاحات با تندروی‌های مجلس ششم دچار آشوب شد و در دولت احمدی‌نژاد هم با گسترش «توهمات» در آتش شغرائی بی‌حاصل سوخت روحانی مهمترین هدف تندروها را تخریب بی‌وقفه بود. امروز بهترین مرد مردم از «راه هاشمی»، عدم تداوم دولت اعتدال است تا تجربه تلخ عدم تداوم دولت سازندگی دوباره تکرار شود. سخت‌ترین مأموریت محسن هاشمی در انتخابات ۱۴۰۰ شاید همین مسأله تداوم دولت اعتدال باشد که از طرفی با نگاه تمامیت‌خواه افراطی و بدنه اصلاح طلبان روبه‌روست و از سوی دیگر با هجوم فراوان و تخریب‌های بی‌پایان اصولگرایان مواجه است. یقینا «محسن هاشمی» در سن‌های زیادی از مواجهه «پدر» با چنین شرایط بسیار دشواری آموخته، که انتخابات ۱۴۰۰ می‌تواند نوبت بازپس دادن آنها باشد. ۴- مقابله با احمدی‌نژاد: آیتا... هاشمی هشت سال تمام مقابل احمدی‌نژاد ایستاد؛ چون می‌دانست هدف جریان انحرافی فراتر از تخریب اشخاص، زیرسوال بردن کارآمدی روحانیت در اداره امور کشور است تا فضا برای تکرار مشروطه مهیا شود. امروز که دیگر همه چیز روشن شده و دیگر کسی حرف از «سحر و جادو شدن احمدی‌نژاد» نمی‌زند! فراموش نباید کرد که با فراسفت و بصیرت بیشتری در انتخابات ۹۲ عمل می‌کردند و طوسیو حضور آیتا...هاشمی را هم نمی‌گرفت، یقینا تکلیف جریان انحرافی در همان انتخابات ۹۲ با راری ۲۰ مایه‌سوئی آیتا...هاشمی روشن می‌شد و به پایگانی تاریخ می‌رفت ولی افسوس که بازهم فرصت حیات سیاسی به این جریان داده شد تا بماندند و هر روز زخم و نیش جدیدی به نظام اسلامی بزنند. محسن هاشمی در انتخابات ۱۴۰۰ باید هتکند، رقیب مقابل این جریان مشکوک با استد و قدمی عقب نمانند، چرا که جریان اصولگرایان در عمل نشان داده نه‌تنها حریف احمدی‌نژاد نیست؛ بلکه شاید اگر مجبور شوند به خاطر حمایت‌هایی که از او کرده‌اند در نهایت به حرف او تمکین می‌کنند. تئوسیوه آخر نگارنده به «محسن هاشمی» این است که حضورش در انتخابات ۱۴۰۰ علاوه بر دلایل فوق، سه حالت مفروض در رویه‌روی خود بیشتر ندارد که اتفاقا همه آنها را آیتا... هاشمی تجربه کرده است. ردصلاحیت، شکست یا پیروزی در انتخابات، «محسن هاشمی» اگر به سیره پدر عمل کند در هر سه حالت متصویر ابراح حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری صحت ۱۴۰۰ پیروز خواهد شد؛ چون قبلا آیتا... هاشمی مصاح این ادعا را در میدان عمل به اثبات رسانیده است.

## معکوس

## سخنان وزیر اطلاعات تکذیب شد

به دنبال اظهارات اخیر حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات کشور پیرامون مداخله یکی از کارکنان نیروهای مسلح در دست داشتن ترور و به شهادت رساندن دانشمند برجسته هسته‌ای و دفاعی کشور، شهید محسن فرخی‌زاده، مرکز ارتباطات و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح توضیحی منتشر کرد. در این توضیحات آمده است: اولافرد مورد ادعای وزیر اطلاعات در سال ۹۳ در حال آموزش دیدن بوده است و در همان سال به دلیل مشکلات اخلاقی و اعتدال‌اخراج شده است. ثانیا عضویت فرد مورد ادعافطعی نبوده وروال نیروهای مسلح اینگونه است که ارزیابی‌های چنین آموزش یکی از عوامل اصلی عضویت در عضویت بوده که نامبرده به دلیل وجود مشکل اخلاقی و اعتیاد به عضویت رسمی درنمیاید و در حین آموزش اخراج گردیده است. ثالثا وزیر اطلاعات حتما می‌داند که وفق قوانین و مقررات، افراد اخراجی از نیروهای مسلح از جمله فرد مورد ادعای ایشان پس از اخراج در سال ۹۳ از نیروهای مسلح به‌طور کامل قطع ارتباط نموده و فاقد هویت نظمی است و به همین دلیل جرم امنیتی‌وی میهناند سایر احادجامعه در حیطه مأموریت و مسئولیت وزارت اطلاعات قرار می‌گیرد لذا انتظار می‌رفت وزیر محترم اطلاعات در اظهارات رسانه‌ای خود آن هم در پخش زنده، دقت بیشتری می‌نمود که بهانه‌ای به دست دشمنان جنایتکار نظام همیچون آمریکا و رژیم جعلی صهیونیستی نمی‌داد و از جایگاه خطیر وزارت اطلاعات و سربازان گمنام‌ام‌زم (عج) و شان نیروهای مسلح مرثیت می‌کرد.

<sup>[1]</sup> به دلیل مشکلات اخلاقی و اعتدال‌اخراج شده است

<sup>[2]</sup> ثانیا عضویت فرد مورد ادعافطعی نبوده وروال نیروهای مسلح اینگونه است که ارزیابی‌های چنین آموزش یکی از عوامل اصلی عضویت در عضویت بوده که نامبرده به دلیل وجود مشکل اخلاقی و اعتیاد به عضویت رسمی

<sup>[3]</sup> در این توضیحات آمده است: اولافرد مورد ادعای وزیر اطلاعات در سال ۹۳ در حال آموزش دیدن بوده است

<sup>[4]</sup> در همان سال به دلیل مشکلات اخلاقی و اعتدال‌اخراج شده است

<sup>[5]</sup> ثانیا عضویت فرد مورد ادعافطعی نبوده وروال نیروهای مسلح اینگونه است که ارزیابی‌های چنین آموزش یکی از عوامل اصلی عضویت در عضویت بوده که نامبرده به دلیل وجود مشکل اخلاقی و اعتیاد به عضویت رسمی